

واحدهای راکد دوباره به چرخه تولید بازگشتند

این اقدامات از فرسایش تجهیزات صنعتی جلوگیری و تثبیت اشتغال حدود ۱۲ هزار نفر را تضمین کرده و همزمان جریان اقتصادی و زنجیره‌های تولید داخلی را تقویت می‌کند



رسیده‌اند. این واحدها با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود صنعتی شکل گرفته‌اند و مجموع سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آنها حدود ۵۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. این میزان سرمایه‌گذاری، در شرایط اقتصادی پیچیده، نشان‌دهنده استمرار ورود منابع مالی به حوزه تولید و حفظ انگیزه توسعه فعالیت‌های صنعتی توسط بخش خصوصی است. علاوه بر این، این واحدها زمینه اشتغال مستقیم برای ۲۰ هزار و ۸۹۳ نفر را فراهم کرده و به توسعه اشتغال مولد در کشور کمک کرده‌اند.

از منظر زمانی، بخش عمده‌ای از این بهره‌برداری‌ها در نیمه دوم سال محقق شده است؛ در این بازه، ۸۶۸ واحد صنعتی با سرمایه‌گذاری بیش از ۳۷ هزار میلیارد تومان به بهره‌برداری رسیده و نزدیک به ۱۴ هزار نفر را به صورت مستقیم مشغول به کار کرده‌اند. تمرکز افتتاح‌ها در نیمه دوم سال، نتیجه تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام، تسریع فرآندهای اداری، بهبود دسترسی به منابع مالی و افزایش هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی بوده است. این شتاب در تبدیل سرمایه‌گذاری به تولید، بیانگر توان و ظرفیت بخش صنعت برای پاسخگویی به نیازهای بازار و تقویت پیوند سرمایه‌گذاری با اشتغال مولد است و نشان می‌دهد سیاست‌های توسعه‌ای با تمرکز بر کارآمدی و بهره‌وری، اثر ملموسی در رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی کشور داشته‌اند.

توسعه واحدهای صنعتی جدید

در ۱۰ ماه نخست سال جاری، ۱۴۵۶ واحد صنعتی تازه در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور به بهره‌برداری

واحدهای صنعتی متوقف نیز سهم قابل توجهی در تحرک تولید داشته است. تا پایان دی ماه، ۶۴۲ واحد صنعتی که پیش‌تر از چرخه تولید خارج شده بودند، دوباره فعال شده‌اند. این واحدها پیش از توقف، برای ۱۲ هزار و ۲۵۸ نفر اشتغال ایجاد کرده و سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آنها حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. بازگشت این واحدها به تولید نه تنها سرمایه‌های پیشین را احیای می‌کند، بلکه از تشدید استهلاک دارایی‌های صنعتی جلوگیری کرده و به حفظ ظرفیت تولید، تداوم زنجیره تأمین، فعالیت پیمانکاران و بازارهای محلی کمک می‌کند.

فرایند بازفعال‌سازی با حمایت و پشتیبانی دولت، از طریق تأمین یا تسهیل منابع مالی، حل مسائل حقوقی و بانکی، رفع موانع زیرساختی، تأمین مواد اولیه و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط انجام شده است. بخش عمده‌ای از احیای واحدهای راکد نیز در نیمه دوم سال محقق شد که نشان‌دهنده تمرکز ویژه سیاست‌گذار بر فعال‌سازی سریع‌تر ظرفیت‌های موجود است. ترکیب ایجاد واحدهای جدید و احیای واحدهای راکد، بیش از ۳۳ هزار فرصت شغلی مستقیم ایجاد کرده و اهمیت پیوند سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال را در توسعه صنعتی کشور به روشنی نشان می‌دهد. این روند می‌تواند موتور محرکه رشد پایدار تولید و تثبیت اشتغال مولد در اقتصاد ملی باشد.

تأثیر احیای بنگاه‌های متوقف

احیای واحدهای صنعتی متوقف، تأثیری فراتر از ارقام اشتغال و سرمایه‌گذاری دارد و نشان‌دهنده اهمیت حفظ

سرمایه‌های موجود و بهره‌وری بهینه از زیرساخت‌های صنعتی است. نخست، بازفعال‌سازی این واحدها مانع فرسایش تجهیزات و دارایی‌های صنعتی می‌شود و هزینه‌های بازسازی و تعمیرات آینده را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد. دوم، تثبیت اشتغال در این واحدها می‌تواند از پیامدهای اجتماعی ناشی از بیکاری، کاهش درآمد خانوارها و مهاجرت نیروی کار جلوگیری کند و ثبات اقتصادی و اجتماعی را در مناطق صنعتی تقویت نماید. سوم، فعال‌سازی مجدد این واحدها به تقویت زنجیره‌های تولید داخلی کمک می‌کند، زیرا بسیاری از این بنگاه‌ها حلقه‌های میانی یا تکمیلی صنایع بزرگ‌تر هستند و توقف آنها موجب اختلال در تأمین قطعات و مواد اولیه می‌شود. بازگشت این واحدها به تولید علاوه بر احیای سرمایه‌های پیشین، جریان اقتصادی در مناطق و زنجیره‌های مرتبط را حفظ و تقویت می‌کند. حمایت دولت در این فرآیند نقش کلیدی دارد؛ از طریق تسهیل دسترسی به منابع مالی، حل مسائل حقوقی و بانکی، رفع موانع زیرساختی و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌ها، امکان بازفعال‌سازی سریع‌تر و مؤثرتر واحدها فراهم شده است. این رویکرد باعث تثبیت اشتغال حدود ۱۲ هزار نفر و حفظ بهره‌وری سرمایه‌های پیشین شده است و نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی میان سیاست‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی در توسعه پایدار کشور است.

تحرک صنعتی و تداوم رشد اقتصادی

راه‌اندازی واحدهای صنعتی تازه نیز تأثیری چندبعدی بر اقتصاد دارد. افزایش ظرفیت تولید داخلی، کاهش وابستگی به واردات، توسعه صادرات و ارتقای ارزش افزوده صنعتی از جمله دستاوردهای این روند است. استقرار این واحدها در شهرک‌ها و نواحی صنعتی علاوه بر تمرکززدایی از فعالیت‌های تولیدی، توزیع متوازن‌تر اشتغال در استان‌ها را ممکن می‌سازد و می‌تواند شکاف‌های منطقه‌ای در اشتغال و توسعه صنعتی را کاهش دهد. با این حال، تأمین پایدار انرژی، دسترسی به سرمایه در گردش، ثبات مقررات، تسهیل صادرات و رفع موانع بانکی از جمله عوامل تعیین‌کننده دوام فعالیت واحدهای جدید و احیای‌شده هستند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده بخشی از واحدهای صنعتی به دلیل مشکلات ساختاری یا نوسانات اقتصادی با کاهش ظرفیت یا توقف مواجه می‌شوند؛ از این رو، پشتیبانی مستمر و سیاست‌گذاری هوشمندانه ضروری است. ترکیب راه‌اندازی ۱۴۵۶ واحد صنعتی جدید و احیای ۶۴۲ واحد راکد، نمایانگر تلاش برای تقویت ظرفیت‌های صنعتی کشور است که در صورت همراهی با اصلاحات ساختاری، بهبود محیط کسب‌وکار و تقویت پیوند میان تولید، بازار و تأمین مالی، می‌تواند موتور محرکه رشد پایدار تولید، افزایش اشتغال مولد و ارتقای جایگاه صنعت در اقتصاد ملی باشد. این روند، ضمن ایجاد و تثبیت بیش از ۳۳ هزار فرصت شغلی مستقیم، تضمینی برای توسعه صنعتی متوازن و پایدار در سطح ملی و منطقه‌ای فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

این اقدامات، با بازگرداندن واحدهای راکد به چرخه تولید، نه تنها اشتغال را تقویت می‌کند، بلکه به توسعه پایدار و تابانگی اقتصاد کشور کمک می‌کند. با تسهیل فرآیندهای احیای واحدهای راکد و ایجاد واحدهای جدید، می‌توان به بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید پرداخت. این امر به افزایش رقابت‌پذیری واحدهای ایرانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند. با اتخاذ رویکردهای مبتنی بر همکاری و تسهیل، می‌توان به تحقق اهداف توسعه‌ای کشور در حوزه اشتغال و تولید پرداخت.

آثار اقتصادی تعلل اجرایی

کارشناسان اقتصادی معتقدند اجرای کامل این ماده می‌توانست بخشی از ریسک ساختاری فعالیت صنعتی را کاهش دهد. در صورت تضمین جریان خسارت ناشی از محدودیت‌های خارج از اختیار بنگاه، سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری منابع خود را به بخش تولید اختصاص می‌دادند و هزینه نااطمینانی در تصمیم‌های بلندمدت کاهش می‌یافت. همچنین پیش‌بینی‌پذیری فعالیت‌های صنعتی تقویت می‌شد؛ عنصری که از ارکان اصلی بهبود محیط کسب‌وکار به‌شمار می‌رود. شفاف‌شدن هزینه‌های ناشی از قطع انرژی، سیاست‌گذار را نیز ناگزیر می‌کرد مدیریت عرضه و تقاضا را کارآمدتر سامان دهد و به سمت ارتقای بهره‌وری حرکت کند.

اشتغال



A T I Y E N O

یادداشت

O P I N I O N



حمیدرضا صالحی

رئیس هیأت مدیره فدراسیون صادرات انرژی

خروج دولت از تصدی‌گری؛ کلید نجات اقتصاد

در شرایط کنونی اقتصاد ایران، بیش از هر زمان دیگری نیاز به بازتعریف دقیق نقش دولت احساس می‌شود. اقتصاد کشور با چالش‌های ساختاری عمیقی روبه‌رو است و ادامه رویکرد فعلی – یعنی حضور گسترده و چندگانه دولت در عرصه‌های اقتصادی – نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه مانع اصلی شکل‌گیری رقابت سالم و رشد پایدار شده است. دولت باید از نقش بازیرگ مستقیم در بازار خارج شود و تمرکز خود را بر تنظیم‌گری، نظارت و ایجاد چارچوب‌های منصفانه معطوف کند. این تغییر رویکرد، پیش‌نیاز هرگونه بهبود عملکرد اقتصادی است. یکی از نقاط ضعف برجسته در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، غیبت محسوس صدای بخش خصوصی واقعی است. فعالان اقتصادی و صنعتی که هر روز با واقعیت‌های بازار، زنجیره تأمین و محدودیت‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، به ندرت در فرآیند سیاست‌گذاری یا مذاکرات راهبردی حضور دارند. این خلأ در مذاکرات بین‌المللی بیش از همه خود را نشان داده است. در تنظیم تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌های دوجانبه با کشورهایی چون چین و روسیه، یا حتی در روندهای مرتبط با برجام، بخش خصوصی عملاً کنار گذاشته شده است. در حالی که شرکای خارجی معمولاً با مشورت گسترده و هماهنگی بخش خصوصی خود وارد گفت‌وگو می‌شوند و ابعاد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را با دقت بررسی می‌کنند، در ایران چنین سازوکاری وجود ندارد. نتیجه این است که فرصت‌های بالقوه در حوزه‌های نفت، گاز، پتروشیمی و زیرساخت‌ها به‌صورت هدررفت و بهینه‌پذیری نمی‌شود و ظرفیت‌های واقعی کشور در مذاکرات نادیده گرفته می‌ماند.

ایران برای توسعه بخش‌های کلیدی مانند نفت و گاز، برق، حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها، در افق میان‌مدت و بلندمدت به حدود هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. تأمین این حجم عظیم بدون جذب گسترده سرمایه خارجی و مشارکت آزادانه بخش خصوصی عملاً غیرممکن است. اما شرایط فعلی – رکود شدید سرمایه‌گذاری، ابهام در چشم‌انداز آینده و مداخلات چندجانبه دولت – موانع اصلی ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شده است.

در کوتاه‌مدت، بخشی از فشارهای اقتصادی تنها با آزادسازی عمل بخش خصوصی کاهش نقش تصدی‌گری دولت قابل کاهش است. در حال حاضر دولت همزمان نقش تاجر، قیمت‌گذار، تولیدکننده و قریب بخش خصوصی را ایفا می‌کند. این همپوشانی نقش‌ها، رقابت را ناسالم کرده، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را تضعیف نموده و امکان تنفس و رشد طبیعی بخش خصوصی را از بین برده است. تجربه اقتصادهای موفق جهان نشان می‌دهد که وقتی دولت از تصدی‌گری خارج شده و به تنظیم‌گر و ناظر تبدیل می‌شود، کارایی افزایش می‌یابد، نوآوری شکوفایی‌شده و منابع بهینه تخصیص می‌یابند.

ناترازی‌های مزمن بودجه، تورم پایدار و کاهش قدرت تولید، ریشه در همین عدم خروج دولت از میدان رقابت دارد.

ماده ۲۵ در انتظار اعتبار

۱۰ سال پس از تصویب قانون بهبود محیط کسب‌وکار، تکلیف دولت برای جبران خسارت قطعی انرژی صنایع به دلیل نبود ردیف بودجه‌ای مشخص همچنان اجرایی نشده است

بیش از یک دهه از تصویب قانون «بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» می‌گذرد؛ قانونی که با هدف کاهش نااطمینانی در فضای تولید و حمایت از صنایع در شرایط بحران، به‌ویژه کمبود انرژی، به تصویب رسید. با این حال، یکی از مواد کلیدی آن همچنان در مرحله اجرا متوقف مانده است. به گفته سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، هوشمندسازی و نوآوری وزارت صنعت، معدن و تجارت، نبود ردیف مشخص بودجه‌ای سبب شده تکلیف دولت برای جبران خسارت ناشی از محدودیت‌های خارج از قراردادهای انرژی عملیاتی نشود. بر اساس ماده ۲۵، صنایع نباید در اولویت قطع خدمات قرار گیرند و در صورت اعمال محدودیت فراتر از تعهدات قراردادی، دولت موظف به جبران خسارت است. اما در عمل، به‌رغم گذشت بیش از ده سال و پیگیری‌های مکرر در دولت و مجلس، سازوکار مالی مشخصی برای اجرای این حکم قانونی پیش‌بینی نشده و همین خلأ، اجرای قانون را با وقفه‌ای طولانی روبه‌رو کرده است.

بلا تکلیفی در اجرای ماده ۲۵

قانون تکلیف را روشن کرده است، اما ابزار اجرای آن فراهم نشده است. شجاعی وضعیت موجود را «چرخه‌ای معیوب» توصیف می‌کند؛ چرخه‌ای که در آن دولت بر اساس قانون مکلف به جبران خسارت است، اما به دلیل فقدان اعتبار مصوب در بودجه‌های سنواتی، امکان پرداخت وجود ندارد. طی دو سال گذشته، موضوع در دولت، مجلس و حتی کمیسیون اصل ۹۰ پیگیری شده،